

نقش اقلیم در ساخت گروه‌ها و روابط اجتماعی در روستاهای ایران

جواد صفی نژاد^۱

به عقیده‌ی نگارنده، پیدایش و ساخت گروه‌های اجتماعی و همچنین روابط گروهی بین آنها در مناطق روستایی ایران، روابط تنگاتنگی با اقلیم محلی آن منطقه دارد. برای بیان این موضوع، پژوهش حاضر را به دو دسته «اقلیم» و «ساخت گروه‌ها و روابط اجتماعی» تقسیم نموده و به نقش اقلیم در پیدای آنها می‌پردازیم:

الف - اقلیم

امروزه اقلیم به مفهوم آب و هوا، اگر در رابطه با مقدار ریزش باران در نظر گرفته شود، مفهوم یک منطقه‌ی مستقل جغرافیایی را دربردارد که با در نظر گرفتن تغییرات پوسته‌ی زمین و نوسان مقدار باران خود، می‌تواند به زیر اقلیم‌های چندی تقسیم گردد. حال اگر پهنه‌ی ایران را در رابطه با مقدار باران دریافتی سالانه، مورد مطالعه قرار دهیم چنین نتیجه‌ای بدست می‌آید. به جز سواحل جنوبی دریای خزر که منطقه‌ای پرباران است، بقیه باران‌های دریافتی ایران منشاء مدیترانه‌ای دارند. ابرهای باران‌زای ایران از مرزهای غربی به داخل کشور راه یافته و هر چه به سمت مشرق حرکت کنند، از مقدار ریزشی باران آنها کاسته می‌شود. پس در این رابطه یک ناهماهنگی در توزیع باران

مشاهده می‌گردد که با خست طبیعت در ارتباط است. برای مثال اگر خطی از نقطه‌ای در مرزهای غربی کشور، به سمت شرق رسم کنیم و جهت آن از حدود همدان بگذرد، مقدار باران سالیانه‌ی این محدوده که جهت آن (شمال غربی - جنوب شرقی) می‌باشد، می‌توان برای آن چنین تقسیم بندی را در نظر گرفت: (نقشه ضمیمه).

- مقدار باران سالیانه‌ی نقطه‌ی A در روی مرز غربی، حدود ۸۰۰ میلیمتر

- مقدار باران سالیانه‌ی نقطه‌ی B به مرکزیت همدان، حدود ۵۰۰ میلیمتر

- مقدار باران سالیانه‌ی نقطه‌ی C در غرب قلمرو اراک، حدود ۳۰۰ میلیمتر

- در قلمرو AB به مرور از مقدار باران کم شده تا در نقطه‌ی B به ۵۰۰ میلیمتر

می‌رسد؛ منطقه نسبی پرباران.

- در قلمرو BC نیز به همین شیوه، مقدار باران از ۵۰۰ میلیمتر به ۳۰۰ میلیمتر

می‌رسد؛ منطقه نسبی میان باران.

- در قلمرو CD باز هم از مقدار باران سالیانه کم می‌شود و در منطقه کبری به

حدود صفر می‌رسد؛ منطقه نسبی کم باران. بر این اساس پهنه‌ی ایران، به سه منطقه به شرح زیر تقسیم می‌گردد.

نخست: منطقه‌ی پرباران

منطقه‌ی نسبی پرباران ایران، محدود به شمال و قلمرو حدود گرگان می‌باشد. این

منطقه منطبق بر خط همباران ۳۰۰ میلیمتر می‌باشد و از آذربایجان آغاز شده و در پهنه‌ی

منطقه‌ی غربی و سواحل شمالی، تا خلیج فارس ادامه می‌یابد. مرز جنوب شرقی این

منطقه در حدود تنگه‌ی هرمز بر اساس محاسباتی ترسیم شده است^۱ نگارنده این منطقه

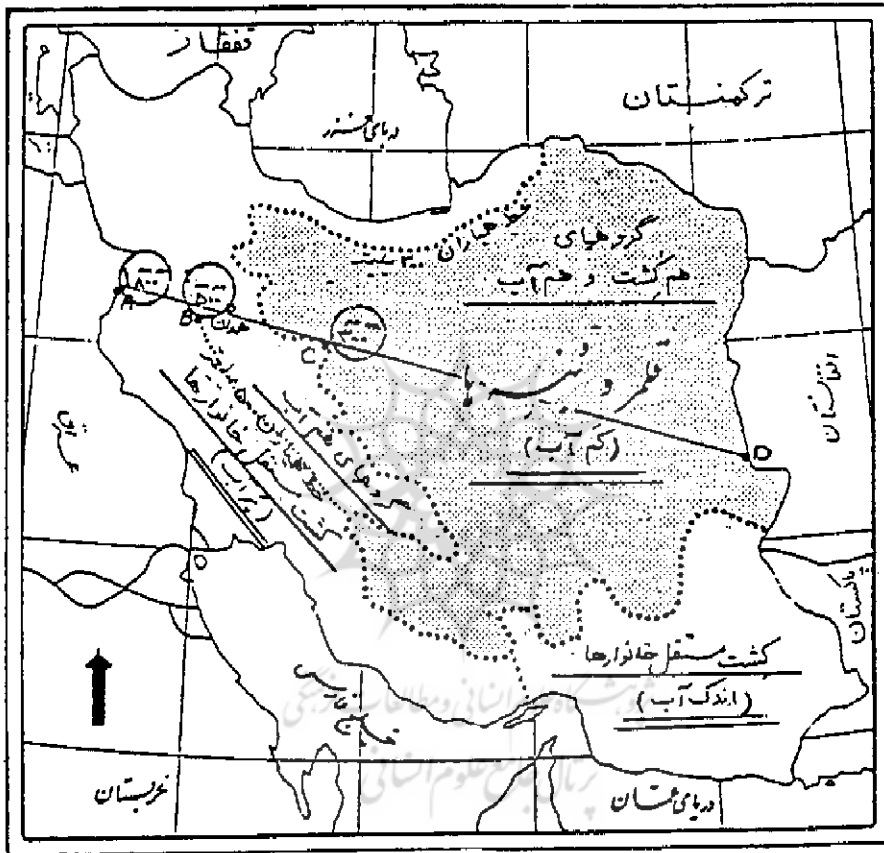
را قلمرو پرآب و پرباران نام‌گذاری نموده است، زیرا اغلب رودخانه‌های مشهور و پرآب

کشور در این منطقه جریان دارند، که رودهای کارون، کرخه، جراحی، زهره و سفیدرود

از آن جمله‌اند.

۱- برای اطلاع از این محاسبات مراجعه شود به: صفی نژاد جواد، بینه (نظام‌های زراعی سنتی ایران)، تهران،

وسعت
تقسیم بندی پهنه ایران
بر اساس همیاریهای جمعی زارعان در آبیاری و کشت



اگر نقطه‌ای را در حدود مرزهای میانه غربی کشور در نظر گرفته و خط مستقیمی را از آن نقطه تا مرز شرقی کشور ادامه دهیم طبیعی است که قلمرو اطراف، خط باران مشخص سالیانه‌ای را دریافت می‌دارند، اگر خط همباران این مناطق را در رابطه با زندگی اجتماعی و اقتصادی سکنه در نظر بگیریم بر اساس مقدار باران در رابطه با شیوه کشاورزی سنتی این مناطق سه نوع زندگی را به شرح زیر مشاهده می‌کنیم:

- ۱- در قسمت همباران ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ میلیمتر، آبیاری و کشت، خانواری و مستقل
- ۲- در قسمت همباران ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر، کشت خانواری و مستقل، آبیاری جمعی و دارای نظام سنتی.
- ۳- در قسمت همباران ۳۰۰ میلیمتر و کمتر، کشت و آبیاری هر دو توانان، مشترک، جمعی و دارای نظام سنتی کهن.

دوم: منطقه‌ی میان باران

منطقه‌ی میان باران نسبی، به مرکزیت همدان، مرزهای جنوبی و شرقی آن و مرزهای غربی‌اش منطبق با خط همباران ۵۰۰ میلیمتر می‌باشد. ولی مرزهای شمالی آن کاملاً مشخص نیست. روستاهای درون این قلمرو بعضاً مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ولی مرزهای انسانی مورد نظر هنوز برای ترسیم قطعی نشده است. باران سالیانه‌ای که درون این منطقه می‌بارد بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر نوسان دارد. از نظر فراوانی آب نسبی، این منطقه را می‌توان منطقه‌ی «میان باران، میان آب» نام نهاد.

سوم: منطقه‌ی کم باران

این منطقه که وسیع‌ترین قلمرو کشور ایران است، از حدود غرب استان‌های مرکزی، اصفهان و فارس آغاز شده، به مرزهای شرقی و شمال شرقی کشور پایان پذیرفته و قلمرو جنوبی این منطقه به انتهای مرزهای قلمرو بنه‌ها پایان می‌پذیرد بارانی که این منطقه دریافت می‌دارد، در مرزهای غربی از ۳۰۰ میلیمتر آغاز شده، و ممکن است در درون کویر به صفر هم برسد؛ بر این اساس، این منطقه را «کم آب و کم باران» نام‌گذاری نموده‌ایم.

ب - ساخت گروه‌ها و روابط اجتماعی

در قسمت اول، اقلیم ایران، در رابطه با باران بیان گردید ولی این اقلیم به تنهایی دارای رویدادهای طبیعی و اثرگذاری در پدیده‌های دیگر است که جایگاه بررسی آن در جغرافیای طبیعی می‌باشد، ولی همیشه اقلیم نقشی در ایجاد گروه‌های انسانی نیز دارد. چراکه انسان توضیح مختصر، ساخت گروه‌ها و روابط اجتماعی آنها را در رابطه با اقلیم، به شرح زیر بیان می‌گردد.

نخست - قلمرو غربی

در قلمرو غربی ایران، به دلیل بارش باران نسبتاً زیاد، خانوارهای کشاورز گرفتار کم آبی نیستند، آبیاری و کشاورزی هر دو خانواری انجام می‌پذیرد. بارها گفته‌اند و شنیده شده که در بسیاری از این مناطق، کشاورزان از آبیاری شبانه سرباز می‌زنند و چون هم کشاورزی و هم آبیاری در واحدهای خانوار بهره‌برداری می‌گردد، نظام آبیاری آنها

نظامی است ساده و ناپیچیده و فاقد گروه‌ها و قشرهایی است که در امور آبیاری شرق ایران وجود دارد. در این مناطق، کشاورزان نیازی به آبیاری ندارند و نظام آبیاری آنها بسیار ساده می‌باشد، برعکس کشاورزان مناطق شرقی ایران که برای امر آبیاری، گروه‌های خاصی تشکیل می‌دهند.

دوم - قلمرو غرب میانه

با تعمقی در آبیاری و کشاورزی پهنه‌ی غرب میانه‌ای ایران به مرکزیت همدان، مشاهده می‌گردد که کشاورزی در این منطقه خانواری است ولی آبیاری آن چنین نیست زیرا باران دریافتی منطقه به حدود صفر می‌رسد، پس بایستی راه چاره‌ای برای تقسیم آب داشته باشند، در همین راستا دیر زمانی است آبیاری در این منطقه جمعی و تحت نظام و قوانین جمعی صورت می‌گیرد. در این منطقه شبانه روز به دو ۱۲ ساعت تقسیم می‌شود و هر ۱۲ ساعت را یک "طاق" می‌نامند. مثلاً اگر دور مدار گردش آب (فاصله زمانی بین دو نوبت آبیاری) روستایی، ۱۰ شبانه روز یکبار باشد، روستای مذکور ۲۰ طاق آب خواهد داشت. دو طاق هر شبانه روز، چون دو واحد متغیر در مقابل هم قرار دارند، اگر نوبت آبیاری یکی از این طاقتها، روز باشد، طبیعی است که نوبت آبیاری آن در طاق بعد، شب خواهد بود که مجدداً در نوبت بعدی جای طاق آنها عوض می‌شود.

هر طاق آب دارای سرپرستی است که او را «سرطاق» (میراب) می‌نامند، هر سرطاق موظف است از «حق آب» بران و ذی مهمان طاق آب خود که «گروه هم آب» نامیده می‌شوند دفاع نموده، نوبت و زمان آبیاری آنها را دقیقاً محاسبه نماید تا مبادا حق آب آخرین نفر، دچار کسری گردد. به سرطاق‌ها بر اساس عرف محل دستمزدی هم تعلق می‌گیرد، بعلاوه ایشان از منزلت اجتماعی خاص و احترام سکنه نیز برخوردارند.

درون هر طاق آب، تعدادی حق آب کشاورزان وجود دارد، که تعداد آنها مطرح نیست، بلکه مالکیت زمانی حق آب آنها مطرح است، چراکه باید زمان حق آب این چند نفر در مجموع، ۱۲ ساعت گردد تا زمان طاق آب، کامل باشد. تعویض و جابه‌جائی در درون هر طاق ممکن است در خارج از آن ممکن نیست. مسلماً هر طاق آب به چند زمین تعلق دارد و باید آبیاری طوری تنظیم گردد که این ۱۲ ساعت برای همه‌ی آنها کافی باشد. گروه‌های هم آب، از سرطاق خود شدیداً حرف شنوی دارند چراکه سرطاق هم مانند خود آنها، در همان طاق دارای زمین کشاورزی و حق آب می‌باشد و توسط

صاحبان حق آب یک طاق، انتخاب شده و در صورت تعلل و کوتاهی، می‌توانند وی را تعویض کنند و همه ساله این انتخاب تجدید می‌گردد. اگر بخواهیم به همق نظام‌های آبیاری و گروه‌های جمعی که ریشه آن در طاق آب است، پی ببریم، به این شبکه بندی نظام آبیاری قنات آب منطقه «فامنین» که در حدود ۶۲ کیلومتری شرق همدان واقع شده توجه فرمائید:

- نظام گردش آب قنات فامنین ۱۸ شبانه روز یکبار و در دو نهر، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. بنابراین مدار گردش آب برای روستائیان ۹ شبانه روز یکبار از هر نهر (پیاپی) مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر همین پایه، کل زمینهای قابل کشت روستا، به ۹ قسمت تقسیم می‌شود.

- ساکنان، هر یک از ۹ قسمت را به «پنج جوق» (پنج جوی) تقسیم می‌نمایند، هر جوق یک قطعه زمین مستقلی است که زارعین درون آن به کشت خانوار اشتغال دارند.
- هر جوق دارای ۴ جفت گاو (۸ رأس) است که چهار نفر در آن مستقل از یکدیگر به کار زراعی اشتغال دارند. پس در ۵ جوق، ۲۰ جفت گاو (۴۰ رأس) و در ۹ قسمت روستا، ۱۸۰ جفت برابر با ۳۶۰ رأس گاو، منطقه را شخم می‌زنند.

- هر گاو برابر با ۳ هکتار زمین بوده و یک جوق وسعتی برابر با ۲۴ هکتار زمین می‌باشد. (۸ رأس گاو \times ۳ هکتار). و چون در هر جوق ۴ نفر به کار اشتغال دارند، پس هر فردی ۶ هکتار زمین در دو آیش در اختیار دارد که در هر آیش، ۳ هکتار آن را بزیرکشت می‌برد (۲ هکتار شتوی + ۱ هکتار صیفی).

- وسعت هر ۵ جوق برابر است با ۱۲۰ هکتار (۵ جوق \times ۲۴ هکتار)

- وسعت ده برابر با ۹ قسمت \times ۱۲۰ هکتار برابر است با ۱۰۸۰ هکتار

- هر جوق برابر با ۴ نفر و در هر ۵ جوق ۲۰ نفر و در ۹ جوق ۱۰×۱۸۰ (ده تا ۱۸۰ نفر) بکار اشتغال دارند. بنابراین ملاحظه می‌گردد که کلیه‌ی ارقام نظام فوق، ریشه در تقسیمات آب دارد. و مقدار آب است که نیروی شخم، کار و مساحت زیر کشت را معین می‌کند.^۱

۱- کلیه‌ی ارقام محاسبه شده، برداشتی است از کار عملی آقای حسین حیدری با عنوان «روستای فامنین».

سوم - قلمرو شرق

منطقه‌ی شرقی کم باران، که پهنه‌ی وسیعی از کشورمان را فراگرفته است. به خاطر باران دریافتی کمتر از ۳۰۰ میلیمتر، منطقه‌ی خشکی است که آب زراعی آن به نوعی، جیره‌بندی شده است. مدار گردش آب یعنی، جیره‌بندی آب مورد نیاز کشاورزان، در این منطقه به خاطر دقت وافر در نوع کشت، در رابطه با زمین و اقلیم، انتخاب بذر مقاوم در قبال کم آبی، خشکی و گرما، دقت و مراقبت زیادی از منبع آبدهی، نهرها و جوی‌های تابعه به عمل می‌آید. تسطیح زمین جهت یک نواختی حرکت آب در سطح زمین مورد آبیاری، نیاز به نیروی اضافی ویژه‌ای دارد که پاسخگوی این خواسته‌ها باشد، بنابراین کشت و آبیاری هر دو به شکل دسته‌جمعی انجام می‌پذیرد، که هر کدام جداگانه قابل بررسی می‌باشد.

الف - نظام آبیاری جمعی

نیاز به صرفه‌جویی و دقت در آبیاری، برنامه ریزان آب محلی را بر آن داشته که در روستاهای شرق ایران، افرادی را برای بهره‌گیری بهینه از آب تربیت نمایند. آبیاری، میراب، سرتاق، سالار و ... سرپرستانی در امور آبیاری می‌باشند که هر کدام حداقل، توزیع و سرپرستی نیمی از یک شبانه روز، آب یک منبع آبدهی را (۱۲ ساعت) در اختیار دارند و با نظارت و دقت این سرگروه‌هاست که آب به بهترین شکلی بین صاحبان حق آب توزیع می‌گردد.

اینان، خود از کشاورزان و عضو گروه مربوط به طاق آب خود می‌باشند و از گروه انتخاب شده و عرف محل برای آنها حقوق ماهیانه‌ی مشخصی را پرداخت می‌نماید. در صورت عدم رضایت، شورای آبیاری به عزل و توییح آنها می‌پردازد و فرد لایق‌تری را که در همان طاق آب دارای حق آب باشد به جای او انتخاب می‌نماید.

سرآبیاران بیشتر در دهات خرده مالکی شرق، به توزیع آب، در نظام پیچیده‌ی آبیاری اشتغال دارند و مقدار آبی که زیر نظر و سرپرستی آنان تقسیم می‌گردد، از نظر زمانی نباید از ۱۲ ساعت تجاوز نماید و دو سر طاق مسئول اجرای این نظام بوده و کلیه‌ی سرطاقان هر منبع آبدهی، زیر نظر تصمیم گیرنده‌ای به نام «داور» انجام وظیفه می‌نمایند.

ب - نظام کشت جمعی

بطور کلی در تمامی روستاهای مناطق شرقی ایران، نظام آبیاری جمعی بوده و در هر منطقه گروه‌های مختلفی در این رابطه وجود دارند. اما در تمامی این مناطق کشت دسته‌جمعی دیده نمی‌شود زیرا در روستاهای خرده مالکی نظام کشت و زرع، جنبه‌ی انفرادی و خانوادگی دارد. در روستاهای تک مالکی، مالکینی که دارای زمین پهناور قابل کشت باشند، کشت جمعی صورت می‌گیرد. در شرق ایران، این کشت‌های جمعی دارای نظام‌هایی به نام، بنه، صحرا، هراسه و ... می‌باشند. سطح زیر کشت این واحدها را مقدار حجمی آب تعیین می‌نماید ولی معمولاً هر یک از اینها دارای یک شبانه روز آب از منبع آبدهی در طول سدارگردش آب می‌باشند.

درون هر یک از این واحدها نیز گروه‌هایی وجود دارد که در نقاط مختلف دارای اسامی متفاوتی از قبیل آبیاری، دُم آبیاری، برزگر، سرینه، پابند، وربنه، زعیم، سرزعیم و ... می‌باشند. مثلاً تا قبل از اصلاحات ارضی در روستای گناباد مشهد، این واحد کشت جمعی را «صحرا» می‌نامیدند و چون مدارگردش آب روستا بر ۸ شبانه روز استوار بود، روستا دارای ۸ صحرا و در هر صحرا ۸ نفر بکار اشتغال داشتند که ۴ نفرشان مسئول آبیاری روستا (۳ نفر سالار و یک نفر سرسالار) و ۴ نفر دیگرشان مسئول کشت و زرع بودند. (۳ نفر دهقان و یک سردهقان)، تمامی این افراد صحراهای ۸ گانه، زیر نظر «داور» که سرپرست کل کشت و زرع و آبیاری روستا بود، انجام وظیفه می‌نمودند.

بدین ترتیب مشخص می‌گردد که سه نوع اقلیم مذکور، سه شیوه‌ی معیشتی کشاورزی در رابطه با آب، بوجود آورده که هر کدام در بردارنده‌ی شکل ویژه‌ای است و پایه‌های وجودی آن را گروه‌هایی تشکیل می‌دهد که در اقلیم دیگر مشابه آن وجود ندارد.